

فقه اهل بیت

۸۸

سال بیست و دوم
زمستان ۱۳۹۵



- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمود هاشمی شاهرودی
- سردبیر: سید مرتضی تقوی
- هیئت تحریریه: عبدالرضا ایندپناه، سید مرتضی تقوی، محمد زروندی رحمانی، سید عباس صالحی، احمد مبلّغی، رضا مختاری، محمد حسن نجفی
- مدیر داخلی: حسین حسن زاده

مجله تخصصی فقه اهل بیت (ع) از طریق پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود
و با میانگین تأثیر (IF) شناخته شده است.



پایگاههای اینترنتی، دسترسی به مجله فقه اهل بیت (ع)

www.ISC.gov

www.SID.ir

www.noormags.com

www.magiran.com

www.afiqh.org

نشانی:

قم، خیابان انقلاب، بالاتر از گلزار شهدا، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی

قم، صندوق پستی ۵۵۹ / ۳۷۱۸۵

تلفن امور مشترکین: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۳۸۸

نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۹۶۳ همراه: ۰۹۱۲۲۵۲۰۷۹۶

چاپخانه: نینوا

حوزه پژوهشی مجله:

- مسائل مستحدثه فقهی؛ تبیین اجتهادی مسائل جدید.
- موضوع شناسی فقهی؛ شناسایی و تحلیل موضوعات جدید و طرح آنها در محافل فقهی برای بسترسازی ذهنی فقه پژوهان و پرداختن به موضوعات جدید.
- طرح دیدگاههای نو در دانش اصول و دیگر علوم مرتبط با فقه.
- مطالعه تطبیقی مکتب فقهی اهل بیت (ع) با دیگر مذاهب و مکاتب فقهی.
- مطالعه تطبیقی ساختارها و دیدگاههای حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فقه با دانشهای مشابه.
- تاریخ فقه و فقها و مکاتب فقهی.
- اطلاع رسانی در حوزه پژوهشهای فقهی، مراکز و مؤسسات فقهی، نرم افزارهای فقهی و ...

.....

یادآوری:

- مجله در حوزه مسائل مستحدثه، از مقالات اجتهادی فقها و در سایر حوزه ها، از مقالات فضیلاي حوزه و دانشگاه در صورت برخورداری از موازین علمی و پژوهشی، استقبال می کند.
- مجله در ویرایش و تلخیص نوشته ها آزاد است.
- مسئولیت مقالات برعهده نویسندگان است.
- نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ، مجاز است.
- مقالات ارسالی بازپس فرستاده نمی شود.

.....

راهنمای تهیه و پذیرش مقالات:

۱. درج نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، نشانی، پست الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده، ضروری است. (مقاله ارسالی در صورت تأیید یا عدم تأیید، مسترد نمی شود).
۲. مقالات به صورت تاپ شده همراه با لوح فشرده (CD) آن ارسال و یا به پست الکترونیکی مجله ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی و خارجی چاپ و یا همزمان به مجله دیگری ارسال شده باشد.
۴. مقاله باید به لحاظ نوآوری و انسجام منطقی و قوت استدلال و شیوه نگارش و ارجاع به منابع دست اول، نصاب علمی لازم را در سطح مقالات منتشر شده در مجله فقه اهل بیت (ع) داشته باشد و با ساختار زیر ارائه شود:
 - ۱- ۴- عنوان، گویا و متناسب با محتوای مقاله.
 - ۲- ۴- چکیده بحث در حداکثر ۲۵۰ کلمه.
 - ۳- ۴- کلید واژه ها بین ۳ تا ۷ کلمه به منظور تسهیل در جستجوی الکترونیکی.
 - ۴- ۴- متن اصلی مقاله که متضمن تحلیل مستند و مستدل موضوع مقاله است.
 - ۵- ۴- نتیجه.
 - ۶- ۴- کتاب شناسی الفبایی با ترتیب ذیل:

نام مشهور نویسنده، نام اصلی نویسنده، نام کتاب، جلد، شهر محل چاپ، ناشر، نوبت چاپ و سال انتشار.

در مورد مقالات به جای نام و مشخصات کتاب باید عنوان کامل مقاله و نام نشریه و شماره و سال آن درج شود.
- ۵- ارجاعات و توضیحات و عبارات لاتین در پاورقی آورده شود.

.....
شیوه بررسی و چاپ مقالات:

۱. مقالات رسیده، نخست توسط سردبیر بررسی می شوند و در صورت تناسب با موضوع فصلنامه برای ارزیابی به هیئت تحریریه ارسال می شوند.
۲. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله بر عهده نویسنده است.
۴. حق چاپ پس از پذیرش برای فصلنامه محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

- از شروط عقد بیع؛ قصد، اراده، ملک..... آیت الله سیدکاظم حائری / ۵
- عدم تنجس آب قلیل به مجرد ملاقات با نجاست..... مهدی برزگر؛ محمدامین امامی پناه / ۴۵
- مبانی عدم نفوذ معامله به قصد فرار از دین در فقه امامیه و حقوق ایران... محمد محلی؛ مسعود زنگنه / ۱۱۰
- تحلیل اجزای علت تامه در پدیده های فقهی و حقوقی..... احمد احسانی فر / ۱۴۳
- بررسی شخصیت رجالی - حدیثی سهل بن زیاد..... حسن مهدوی / ۱۷۵
- واکاوی مقوله کنترل جمعیت با رویکرد دینی..... محمود پاکیزه؛ مسلم شوپکلائی / ۲۱۱
- همراه با دانشنامه آثار فقهی شیعه: آثار فقهی شیعه در عصر حضور معصومان(ع)... مسعود امامی / ۲۳۹
- چکیده عربی مقالات..... / ۲۷۲
- چکیده انگلیسی مقالات..... / ۲۷۸

همراه با دانشنامه آثار فقهی شیعه

آثار فقهی شیعه در عصر حضور معصومان (ع)

○ مسعود امامی

تاریخ آغاز کتابت فقه شیعه به عصر پیامبر اکرم (ص) بازگشته و تا زمان حاضر استمرار می‌یابد. بررسی اجمالی سیر تدوین متون فقهی شیعه در عصر حضور معصومان (ع)؛ یعنی تا آغاز عصر غیبت، موضوع این نوشتار است.

آثار فقهی شیعه به دو قسم؛ روایی و غیر روایی تقسیم می‌شوند. آثار روایی متونی هستند که بر محور نقل روایات از معصومان (ع) تدوین یافته‌اند، مانند کتب اربعه و آثار غیر روایی، کتاب‌ها و رساله‌هایی هستند که بر محور آراء و اجتهادات نویسندگان آن‌ها تألیف شده‌اند. همان‌طور که در بیشتر آثار غیر روایی کم و بیش روایات معصومان (ع) نقل شده است، در بیشتر آثار روایی نیز می‌توان آراء و اجتهادات نویسندگان آنان و غیر آنان را در میان روایات منقول یافت. پس مبنای

تقسیم آثار فقهی به روایی و غیر روایی این است که اگر محور اصلی و وجه غالب متن فقهی، نقل روایات باشد آن اثر در زمره آثار روایی جای می‌گیرد و اگر محور اصلی متن، روایات نباشد، آن اثر از آثار غیر روایی شمرده می‌شود. اینک به بررسی هر دو قسم آثار فقهی شیعه از صدر اسلام تا سال ۲۶۰ هجری؛ سال آغاز عصر غیبت کبری، می‌پردازیم.

آثار روایی

به طور طبیعی در زمان حضور معصوم؛ اعم از پیامبر (ص) یا امام (ع)، محور دانش دینی مسلمانان، گفتار و کردار پیشوایان معصوم (ع) بود؛ زیرا به حکم عقل، شخصیتی که مصون از جهل و خطا است، برترین و معتبرترین مرجع علمی است. از این رو، شنیدن سخنان او و تاسی به رفتارش و بازگرددن آنها، محور تلاش های علمی مسلمانان در همه دانش های اسلامی گشت. پس نقل احادیث معصومان (ع) یا به عبارت دیگر، دانش حدیث در عرض سایر علوم اسلامی نیست؛ بلکه حجت و مرجع علمی همه آن ها از جمله، فقه، کلام، اخلاق، تاریخ و تفسیر است. دانش فقه نیز در عصر حضور معصومان (ع) بر محور شنیدن و نقل روایات شکل گرفت. به همین جهت، نخستین آثار فقهی در میان مسلمانان از جمله شیعیان، صبغه روایی داشت.

نخستین آثار روایی

نخستین کتاب حدیث تألیف شده توسط شیعیان درباره مسائل فقهی متعلق به ابورافع (م ۴۰ هـ. ق) صحابی و برده آزاد شده پیامبر اکرم (ص) و خزانه دار امیرالمومنین (ع) است. نجاشی (م ۴۵۰ هـ. ق) او را از «بهترین شیعیان» شمرده است. وی هنگام جنگ جمل در حالی که ۸۵ سال داشت در زمره لشگریان امیر

المومنین(ع) بود. نام کتاب او السنن و الاحکام و القضايا است. این کتاب در اختیار نجاشی بوده و او سند متصل خود را به این کتاب ذکر کرده است. نجاشی از عناوین صلوات، صیام، حج، زکات و قضايا به عنوان ابواب این کتاب یاد می کند و این گویای آن است که موضوع کتاب، فقه و احکام شرعی است.^۱ این کتاب نه تنها اولین کتاب فقهی شیعه؛ بلکه نخستین کتاب حدیث و فقه در میان مسلمانان است.^۲ پس بر خلاف نظر برخی دانشمندان اهل سنت که تاریخ آغاز تدوین حدیث را مقارن با فرمان عمر بن عبد العزیز (م ۱۰۱ هـ.ق) به جمع آوری احادیث نبوی(ص) در حدود سال صد هجری می دانند،^۳ شیعیان سال ها پیش از این به جمع آوری احادیث پرداختند.

نجاشی در آغاز کتاب خود و قبل از آنکه به ذکر فهرست راویان و مؤلفان شیعه بر اساس ترتیب حروف الفبا پردازد، فصلی را با عنوان «ذکر الطبقة الأولى» آورده و در آن، نام شش نفر از اصحاب امیر المومنین(ع) را به عنوان نخستین مؤلفان شیعه ذکر کرده است. اولین آنها ابورافع (م ۴۰ هـ.ق) است و پس از او حدائق نام دو نفر دیگر به چشم می خورد که دارای آثار فقهی می باشند. نخست، علی فرزند ابورافع، که کاتب امیر المومنین(ع) بود و در امر تألیف کتاب به پدر تاسی کرد و «کتابی در فنون فقه، وضو، نماز و سایر ابواب» نگاشت. و دومین نفر، ربیعة بن سُمیع، که او نیز «کتابی در زکات چهار پایان» نوشت. هر دو کتاب بنا بر نقل نجاشی با روایتی فقهی از امیر المومنین(ع) آغاز می شوند. این دو کتاب نیز در اختیار نجاشی بوده و او سند متصل خود را به آن ها ذکر کرده است.^۴ بنابراین،

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴.

۲. صدر، تأسیس الشیعة، ص ۲۷۸.

۳. عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۶.

سرگذشت تدوین آثار فقهی - روایی در دوران حضور امامان معصوم (ع) از عصر امام اول؛ حضرت علی بن ابی طالب (ع)، شروع می شود و تا آغاز عصر غیبت ادامه می یابد.

البته پیش از ابورافع - بنا بر آنچه در روایات آمده است - امیر المومنین (ع) به جمع آوری احادیث پیامبر اکرم (ص) پرداخت. نجاشی ضمن شرح حال محمد بن عذافر صیرفی (زنده در ۱۸۳ هـ. ق) با سند متصل نقل می کند او با حکم بن عتیبه (م ۱۱۴ هـ. ق) فقیه اهل سنت نزد امام باقر (ع) بودند و حکم از امام (ع) سؤال می کرد و امام (ع) نیز محترمانه پاسخ او را می داد تا اینکه در مسئله ای میان آن دو اختلاف شد. امام باقر (ع) خطاب به فرزندش فرمود: فرزندم برخیز و کتاب علی (ع) را بیاور. او نیز کتابی بزرگ و در هم پیچیده آورد و آن را گشود و در آن نگریست تا مسئله مورد بحث را در آن پیدا کرد. امام باقر (ع) خطاب به حکم فرمود: این کتاب به خط علی (ع) و املائی پیامبر (ع) است.^۵ در وجود این کتاب تردیدی نیست؛ زیرا از این کتاب در روایات متواتر یاد شده است.^۶

همچنین امیر المومنین (ع) کتابی در دیات نوشت و برای فرمانداران خود فرستاد تا بر اساس آن حکم کنند.^۷ این کتاب در منابع فقهی و حدیثی به کتاب ظریف شهرت دارد. نام آن برگرفته از ظریف بن ناصح (زنده در ۱۸۳ هـ. ق)؛ روایت کننده آن است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ. ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ. ق)

۵. همان، ص ۳۶۰.

۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۷؛ ج ۲، ص ۷۱، ۱۳۶، ۲۵۹، ۲۷۸، ۳۴۷، ۴۸۶ و ۶۶۶؛ ج ۳، ص ۹، ۱۷۵ و ۵۰۵؛ ج ۴، ص ۳۴۰، ۳۶۸، ۳۸۹ و ۵۳۴؛ ج ۵، ص ۱۳۶، ۲۷۹، ۴۵۲ و ۵۴۱؛ ج ۶، ص ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۳۲، ۲۴۶ و ۲۵۵؛ ج ۷، ص ۴۰، ۷۷، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۷۶، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۹، ۴۱۴، ۴۱۵ و ۴۳۶؛ ج ۸، ۱۶۳، ۲۳۳ و ۳۹۵.

۷. طهرانی، ذریعة، ج ۲، ص ۱۵۹؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

همه این کتاب را یک جا روایت کرده‌اند^۸ و کلینی (م ۳۲۹ هـ.ق) بخش‌های زیادی از آن را به طور پراکنده نقل کرده است.^۹ بخاری نیز دو روایت از امیر المومنین (ع) نقل می‌کند که در آنها به این کتاب اشاره شده است.^{۱۰} کتاب ظریف نزد بیشتر فقهاء معتبر است و آنان بر اساس آن فتوا می‌دهند.^{۱۱} سیر تدوین آثار فقهی - روایی در عصر سایر ائمه (ع) نیز ادامه یافت و به خصوص در عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) گسترده شد.

تعداد آثار روایی

شیخ طوسی در کتاب فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنّفین و اصحاب الاصول به ذکر نام مؤلفان شیعه از صدر اسلام تا زمان خود پرداخته است. او در این کتاب بنا بر آنچه در مقدمه می‌گوید کوشیده است در حد امکان نام همه نویسندگان شیعه و آثارشان را ذکر کند؛ هر چند خود اعتراف می‌کند که چون دانشمندان شیعه در شهرهای گوناگون و سرزمین‌های دور پراکنده‌اند و آثار آنان در یک جا جمع‌آوری نشده، نمی‌تواند تضمین کند که به این هدف نائل شده است.^{۱۲} او در این کتاب از حدود ۱۶۰۰ کتاب و رساله در رشته‌های مختلف علوم اسلامی از ۹۱۲ نویسنده نام برده است. با مرور اجمالی بر نام این آثار و شواهد و قراین

۸. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۹. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۳۳۰، ۳۳۳ و ۳۶۳.

۱۰. بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۶؛ ج ۸، ص ۱۰.

۱۱. شیخ مفید، مقنعة، ص ۷۶۸؛ شیخ طوسی، النهایة، ص ۷۷۷؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۴۱۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۲۴۷ و ۲۵۲؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۵؛ خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۴۲، ص ۲۳۶.

۱۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴.

دیگر می توان ادعا کرد که بیشتر این آثار مربوط به اصحاب و دانشمندان عصر حضور ائمه (ع) و محتوای آن ها نقل روایات فقهی از ایشان بوده است .

تردیدی نیست که آثار تألیف شده توسط شیعیان در عصر حضور معصومان (ع) بسیار بیش از این تعداد است؛ زیرا عدد ۱۶۰۰ مربوط به آن بخش از آثار شیعه است که شیخ طوسی در کتاب فهرست نام آن اثر را ذکر کرده یا اشاره خاص به آن کرده است . اما در کنار اینها آثاری وجود دارد که شیخ فقط آمار آنها را ارائه کرده و به طور خاص از آنها یاد نکرده است . شیخ درباره یونس بن عبد الرحمن (م ۲۰۸ هـ.ق) می گوید: وی دارای بیش از سی کتاب است، ولی فقط از پنج کتاب او نام می برد. ۱۳ نجاشی نیز از ۳۳ کتاب او نام برده است؛ اما کلام او نیز صریح در این است که همه آثار او را ذکر نکرده است. ۱۴ نجاشی درباره فضل بن شاذان (م ۲۶۰ هـ.ق) می گوید: او دارای ۱۸۰ کتاب است؛ در حالی که از ۴۸ کتاب او نام می برد. ۱۵ شیخ طوسی نیز بعد از نام بردن از ۳۲ کتاب وی می گوید: او دارای مصنفات بسیاری است که نام آنها شناخته شده نیست. ۱۶ نجاشی و شیخ طوسی درباره محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ هـ.ق) می گویند: او دارای ۹۴ کتاب است، ولی نجاشی از هفده کتاب او نام برده ۱۷ و شیخ نیز نام هفت کتاب او را آورده است. از کلام شیخ و نجاشی به دست می آید که ابن ابی عمیر علاوه بر ۹۴ کتاب مذکور دارای تعداد زیادی اثر تألیفی به نام نوادر نیز بوده است .

بنابراین، آمار آثار تألیف شده توسط دانشمندان شیعه تا عصر نجاشی و شیخ طوسی بسیار بیش از عدد ۱۶۰۰ است . شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ.ق) درباره

۱۳. همان، ص ۵۱۱.

۱۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴۴۷.

۱۵. همان، ص ۳۰۷.

۱۶. شیخ طوسی، فهرست، ص ۳۶۲.

۱۷. همان، ص ۳۲۷.

تعداد آثار روایی که نام آنها شناخته شده نیست می گوید: «تعداد آثار روایی شیعیان که از آن ها نقل حدیث شده ولی نام آنها ذکر نشده، بنابر آنچه در کتب رجال آمده و من شمارش کرده ام بیش از ۶۶۰۰ کتاب است».^{۱۸}

اصول اربعمأه

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ هـ. ق) از شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق) نقل می کند که «امامیه از زمان امیرالمومنین (ع) تا عصر امام عسکری (ع) چهارصد کتاب که اصول نامیده می شدند تألیف کرده اند».^{۱۹} این عبارت در آثار موجود شیخ مفید یافت می شود. سایر پژوهشگران نیز این عبارت را به نقل از ابن شهر آشوب از شیخ مفید نقل کرده اند و این گویای آن است که آنان نیز این عبارت را در آثار شیخ مفید نیافته اند. امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ هـ. ق)، محقق حلی (م ۶۷۶ هـ. ق)، شهید اول (م ۷۸۶ هـ. ق) و دیگران نیز در آثار خود از این اصول چهارصدگانه یاد کرده اند.^{۲۰} هر چند عدد چهار صد در منابع پیشتر نیامده است، اما اصطلاح «اصل» در منابع نخستین فهارس و رجال همچون رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی فراوان به کار رفته است و شواهد و قراین متعدد گویای این است که «اصل» اصطلاحی خاص نزد دانشمندان آن عصر و پیش از آنان بوده است. شیخ طوسی، نجاشی و دیگران از آثار مکتوب دانشمندان شیعه به «کتاب»، «اصل» و گاهی «مصنّف» و «نوادر» یاد کرده اند. شیخ، صاحبان اصول و مصنفات را از یکدیگر متمایز می کند و می گوید: «ابن غضائری (م ۴۱۱ هـ. ق) دو کتاب داشت که یکی

۱۸. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۶۵؛ امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۰.

۱۹. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳۸.

۲۰. طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۰۰؛ محقق حلی، المعتمد، ج ۱، ص ۲۶؛ شهید

اول، ذکری الشیعة، ج ۱، ص ۵۹؛ میرداماد، الرواشح السماویة، ص ۹۸.

درباره صاحبان اصول بود و دیگری درباره صاحبان مصنّفات و من برای پرهیز از تکرار، نام هر دو گروه را در یک کتاب گردآورده ام».^{۲۱}

درباره تفاوت میان این کلمات با یکدیگر و به خصوص معنای «اصل»، بحث های پر دامنه ای مطرح است.^{۲۲} قول مشهور درباره معنای «اصل» که از دلایل محکم تری برخوردار می باشد، این است که «اصل» در بردارنده احادیثی است که بی واسطه و یا با واسطه از امام (ع) شنیده شده و از روی نوشته دیگری تدوین نشده است. به همین جهت چنین اثری - مطابق معنای لغوی - اصل و ریشه برای آثار روایی بعد از خود خواهد بود، ولی «کتاب» مفهومی اعم دارد و شامل هر گونه مکتوبی می شود. «مصنّف» نیز کتابی است که اصل نباشد؛ یعنی کتابی است که بر اساس روایات شنیده شده نوشته نشده؛ بلکه بر اساس روایات مکتوب در آثار دیگر تدوین شده است و «نوادر» مجموعه روایات پراکنده ای است که تحت یک باب خاص جای نمی گیرند.^{۲۳} برخی آرای دیگر در معنای «اصل» بدین قرار است:

۱. اصل در اصطلاح محدثان به معنای کتاب مورد اعتمادی است که از کتاب

۲۱. شیخ طوسی، فهرست، ص ۲.

۲۲. مامقانی، مقباس الهدایة، ج ۳، ص ۲۰؛ کاشف الغطاء، الاصول الاربعیة، ص ۱۶؛ کامران ایزدی مبارکه، «پژوهشی پیرامون اصول اربعیة»، مطالعات قرآن و حدیث، دو فصلنامه دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴؛ علی اکبر کلانتری، «اصول اربعیة یا نخستین مرحله فقه شیعه»، مجله فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۹؛ نادعلی عاشوری، «پژوهشی پیرامون اصول اربعیة»، مجله صحیفه مبین، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۸۵؛ منصور پهلوان، «کافی و اصول اربعیة»، مجله سفینه، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۳؛ «پژوهشی درباره اصول اربعیة»، سهیلا جلالی، مجله علوم حدیث، شماره ۶، ص ۱۸۷؛ ابوالفضل شکوری، «مراحل تدوین، تهذیب و انتشار حدیث در میان شیعه و اهل سنت»، مجله نامه مفید، شماره ۶، تابستان ۱۳۷۵.

۲۳. بهبهانی، الفوائد الرجالیة، ص ۳۴؛ صدر، نهاية الدراية، ص ۵۲۹؛ طهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۱۲۵.

دیگری گرفته نشده است. ۲۴

۲. اصل تنها در بردارنده سخن معصوم (ع) است؛ لیکن کتاب مشتمل بر سخن معصوم (ع) و استدلال‌ها و استنباطهای مؤلف است. ۲۵

۳. اصل مجموعه‌ای از روایات است که به قصد حفظ و ضبط روایات تدوین شده است و سخنی از گردآورنده در آن یافت نمی‌شود؛ بر خلاف کتاب که ممکن است برای اغراض مختلفی از جمله بیان آرا و نظرات نویسنده تألیف شده باشد. ۲۶

قدما در آثار خود گاهی این کلمات را در معانی دیگر یا به جای یکدیگر به کار برده‌اند^{۲۷} و این گویای این است که معانی اصطلاحی این کلمات در آن دوران به‌اندازه کافی، واضح و شایع نبوده است.

اصول اربعمأه بیشتر در عصر امام باقر و سپس امام صادق (ع) که دوران آزادتری در جهت نشر علم برای ائمه (ع) و شیعیان آنها بوده، نوشته شده است. البته موارد دیگری نیز وجود دارد که مربوط به عصر سایر ائمه (ع) است. ۲۸

پس از مرحله تدوین اصول روایی توسط اصحاب ائمه (ع) که روایات را از امام (ع) یا صحابی او می‌شنیدند، مرحله تدوین کتاب‌هایی شروع می‌شود که در آنها به جمع‌آوری روایات مندرج در این اصول و تنظیم و تبویب آنها پرداخته شده است. بیشتر آثار افرادی مانند ابن ابی عمیر، علی بن ابراهیم (م ۳۲۹ هـ. ق) و علی بن مهزیار (زنده در ۲۵۴ هـ. ق)، حسین بن سعید اهوازی (زنده در ۳۰۰ هـ. ق) و بنی فضال از این قسم است. در منابع فهرس و رجال از این گونه آثار روایی به «کتاب» و «مصنّف» یاد شده است.

۲۴. بحر العلوم، فوائد الرجالية، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲۵. قهپایی، مجمع الرجال، ج ۱، ص ۹.

۲۶. کنی، توضیح المقال، ص ۲۳۳.

۲۷. بحر العلوم، فوائد الرجالية، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲۸. طهرانی، ذریعه، ج ۲، ص ۱۳۱.

در مرحله سوم تدوین آثار روایی، به عصر تدوین مجامع روایی؛ یعنی کتب اربعه می‌رسیم. در آغاز عصر غیبت، سه دانشمند و محدث بزرگ؛ یعنی شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از بیم پراکندگی و از میان رفتن اصول و مصنّفات روایی شیعه، به تدوین مجامع روایی خود پرداختند. آنان کوشیدند همه روایات معتبر یا قابل اعتنایی را که در اصول و مصنّفات به طور پراکنده وجود داشت در یک جا جمع‌آوری، تنظیم و تبویب کنند. بدین سان چهار کتاب الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الإستبصار به وجود آمد. پیدایی این کتاب‌ها و تجمیع روایات پراکنده شیعه در این مجامع روایی، کم‌کم موجب شد که این کتاب‌ها مرجع فقها و دانشمندان قرار گیرد و نیاز آنها را به اصول و مصنّفات فراوان، پراکنده و نامنظم عصر حضور کم کند. از این رو، انگیزه استنساخ و حفظ اصول و مصنّفات عصر حضور کمتر شد و متأسفانه به تدریج نسخه‌های این گونه آثار روایی در گذر زمان از میان رفت. تا جایی که امروزه جز تعداد محدودی از آنها در دسترس ما نیست.

آثار غیر روایی

فقه شیعه بر خلاف فقه اهل سنت که با رحلت پیامبر اکرم (ص) در سال یازدهم هجری، ارتباط مستقیم آن با شخص معصوم (ع) گسسته شد، توانست با اعتقاد به عصمت امامان از اهل بیت (ع) این ارتباط را تا سال ۲۶۰؛ یعنی آغاز عصر غیبت استمرار بخشد. از این رو، طبیعی بود که در عصر حضور امامان معصوم (ع) و با وجود امکان ارتباط مستقیم با آنان در جامعه شیعه، نیاز به عملیات استنباط و اجتهاد که بخش قابل توجهی از آن بر اساس محرومیت از حضور شخصیت انسان معصوم (ع) پایه‌ریزی شده است، کم‌رنگ باشد. این واقعیت روشن، سبب شد که فقه شیعه دیرتر از فقه اهل سنت پا به عرصه اجتهاد مصطلح بگذارد.

فقه شیعه در طول سال های حضور امامان معصوم (ع) بیشتر به نقل حدیث از آنان همّت گمارد و فقهای شیعه کمتر به اجتهاد در کتاب و سنت پرداختند. به همین جهت، بیشترین حجم منابع فقهی شیعه در این دوران چیزی جز نقل سخنان معصومان (ع) نیست. این واقعیت با مراجعه به کتب اربعه حدیث که جمع آوری، تدوین و تنظیم منابع فقهی - روایی توسط اصحاب ائمه (ع) در عصر ظهور امامان (ع) می باشد، آشکار می گردد. از این رو، امروزه قدیمی ترین متن فقهی در دسترس از آثار غیر روایی، دو کتاب المقنع و الهدایه تألیف شیخ صدوق است که مربوط به اوایل دوران غیبت کبری است. کتاب فقه الرضا که امروزه در دسترس است پیش از المقنع و الهدایه تألیف شده است؛ ولی درباره مؤلف آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را به امام رضا (ع) نسبت داده اند.^{۲۹} بر پایه این قول، این کتاب، متنی روایی خواهد بود؛ اما بنا بر نظر کسانی که این کتاب را به غیر آن حضرت، مانند علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ هـ. ق) یا محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العزاقر (م ۳۲۴ هـ. ق) نسبت می دهند، این کتاب نخستین متن فقهی غیر روایی است که امروزه در دسترس است.

به هر صورت، تردیدی نیست که قبل از دو کتاب المقنع و الهدایه، کتاب ها و رساله هایی از این قسم تألیف شده بود. کتاب المتمسک بحبل آل الرسول، تألیف ابن ابی عقیل عُمّانی (م حدود ۳۶۸ هـ. ق) از این قسم است. تاریخ دقیق وفات ابن ابی عقیل معلوم نیست، ولی او یک نسل قبل از شیخ صدوق می زیسته است و اهل تراجم او را معاصر شیخ کلینی و علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) می دانند.^{۳۲}

۲۹. مجلسی اول، لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۶۱۳.

۳۰. افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۱؛ ج ۶، ص ۴۳.

۳۱. تستری، النجعة، ج ۶، ص ۴۰۰.

۳۲. افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۰۷.

همچنین آثار فقهی فضل بن شاذان و یونس بن عبد الرحمن نیز از این قبیل می باشند. تاریخ دقیق وفات یونس بن عبدالرحمن نیز معلوم نیست، اما او از اصحاب امام کاظم و امام رضا(ع) و استاد پدر فضل بن شاذان بوده است. بنابراین، وفات او می باید در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم باشد.

امروزه هیچ یک از این کتاب ها در اختیار ما نیست و ما به استناد گزارشی که فقهای گذشته از این آثار و آرای فقهی نویسندگان آنها در این کتاب ها داده اند، آگاه شده ایم که این کتاب ها در زمره آثار فقهی غیر روایی جای دارند.

مهم ترین منابعی که برای بررسی آثار غیر روایی در عصر حضور ائمه(ع) در اختیار ما است، منابع روایی فقهی نگارش یافته در آغاز عصر غیبت؛ یعنی کتب اربعه می باشد که بر اساس متون دانشمندان عصر حضور ائمه(ع) تدوین شده است.

البته به طور بسیار محدود، آثاری فقهی از هر دو قسم روایی و غیر روایی از عصر حضور ائمه(ع) برای ما باقی مانده است؛ ولی اندک بودن شمار این گونه آثار موجب می شود که همچنان کتب اربعه منابع نخستین ما تلقی شود. از جمله این آثار محدود کتاب الاصول الستة عشر، تألیف شانزده نفر از راویان و محدثان عصر حضور ائمه(ع) است. این کتاب فراهم آمده از شانزده رساله کوتاه روایی است. همچنین می توان از کتاب الايضاح، تألیف فضل بن شاذان به عنوان یکی از معدود آثار غیر روایی در عصر حضور معصومان(ع) که در این دوران در دسترس است نام برد. کتاب الايضاح هر چند صبغه کلامی دارد اما نویسنده آن به مناسبت برخی مباحث اختلافی میان شیعه و اهل سنت در حوزه فقه، به طور گذرا به بحث های محدود فقهی پرداخته است.

اینک با مبنا قرار دادن کتب اربعه به بررسی سیر تدوین منابع فقهی غیر روایی در عصر حضور ائمه(ع) می پردازیم.

آثار فقهی غیر روایی در عصر حضور

از بررسی کتب اربعه و نیز کتاب‌هایی که در زمینه آثار دانشمندان و راویان شیعه در عصر حضور ائمه (ع) نوشته شده، مانند رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، این نتیجه به دست می‌آید که برخی آثار فقهی دانشمندان آن عصر صبغه کاملاً روایی نداشته و اگر نگوییم همه محتوای آن آثار، اجتهادات و آرای نویسندگان شان بوده، لااقل بخش قابل توجهی از محتوای آنها چنین بوده است. در این میان به آثار بن فقیه و متکلم برجسته در عصر حضور؛ یعنی یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان اشاره می‌کنیم.

یونس بن عبدالرحمن فقیه و متکلم بزرگ شیعه و از اصحاب امام کاظم و امام رضا (ع) شمرده شده است. روایات فراوانی در مدح او وارد شده که گویای جایگاه بلند وی نزد ائمه (ع) است.^{۳۳} او در ذیل روایات متعددی به شرح و توضیح روایت پرداخته و برخی توضیحاتش در کتب اربعه نقل شده است.^{۳۴} وجود توضیحات نقل شده از یونس در منابع روایی موجب شده که فقها گاهی تردید کنند که آنچه در ذیل روایت آمده است ادامه سخن امام (ع) است یا توضیح یونس بن عبدالرحمن؛ راوی حدیث.^{۳۵}

اظهارات فقهی یونس در کتب اربعه به این مقدار محدود نمی‌شود. او از نظر تاریخی نخستین کسی است که شیخ کلینی به نقل عبارات بلند فقهی او که ارتباط با

۳۳. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

۳۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ ج ۳، ص ۵۰۹ و ۵۲۸؛ ج ۵، ص ۱۷۷؛ ج ۷، ص ۲۱۲، ۱۶۴ و ۲۳۶.

۳۵. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۲۴۰؛ اردبیلی، مجمع الفائدة، ج ۵، ص ۱۷۶؛ مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۳، ص ۲۹۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۳، ص ۶۰؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۳۲۸؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۳۹۸ و ج ۱۸، ص ۵۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۸۹؛ ج ۳۴، ص ۲۰۳.

روایتی خاص ندارد، پرداخته است؛ تا جایی که حتی دو باب از کتاب خویش را بدون نقل روایتی از امام(ع) تنها به نقل سخنان او اختصاص داده است. کلینی در کتاب نکاح از الکافی، بابی با عنوان «بَابُ تَفْسِيرِ مَا يَحِلُّ مِنَ النِّكَاحِ وَ مَا يَحْرُمُ وَ الْفَرْقُ بَيْنَ النِّكَاحِ وَ السَّفَاحِ وَ الزُّبَى وَ هُوَ مِنْ كَلَامِ يُونُسَ» آورده و سپس با سند متصل، متنی به مقدار چهار صفحه از یونس نقل کرده است.^{۳۶} همچنین در کتاب مواریث بابی با عنوان «بَابُ الْعَلَّةِ فِي أَنَّ السَّهْمَ لَا تَكُونُ أَكْثَرَ مِنْ سِتَّةٍ وَ هُوَ مِنْ كَلَامِ يُونُسَ» آورده و طی آن دو گفتار با حجمی بیش از یک صفحه با سند متصل از یونس نقل کرده است.^{۳۷}

کلینی در بخش های دیگر الکافی نیز گفتارهایی بعضاً بلند از یونس آورده که بعضی ذیل روایات معصومین(ع) و بعضی دیگر مستقل از آنها است.^{۳۸} او گاهی بر فتاوی یونس خرده می گیرد و به تفصیل به نقد آنها می پردازد.^{۳۹} تردیدی نیست که کلینی، یونس بن عبدالرحمن را تنها یک روایت کننده اخبار نمی داند؛ بلکه او را فقهی صاحب فتوا می شناسد که فتاوا و دیدگاه هایش صلاحیت این را دارد که گاهی در کنار روایات معصومین(ع) ذکر شود. فقهای دیگر نیز برخی فتاوی او را نقل کرده اند.^{۴۰}

فضل بن شاذان؛ فقیه و متکلم بزرگ شیعه و از اصحاب امام هادی و امام عسکری(ع) می باشد. او نیز همچون یونس بن عبدالرحمن جایگاه خاصی

۳۶. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۷۰.

۳۷. همان، ج ۷، ص ۸۳.

۳۸. همان، ج ۵، ص ۲۱۶، ۲۳۲؛ ج ۶، ص ۱۲۹، ۱۷۵، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۷؛ ج ۷، ص ۱۱۴.

۳۹. همان، ج ۷، ص ۱۲۰.

۴۰. علامه حلی، مختلف الشیعة، ج ۲، ص ۳۹۸؛ شهید اول، ذکری الشیعة، ج ۴، ص ۳۴؛

شهید اول، الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۲۷۴.

نزد صاحبان کتب اربعه دارد. گفتارهایی بلند و تفصیلی از او که جنبه فقهی یا فقهی - کلامی دارد و بعضاً در دفاع از آرای فقهی شیعه در مقابل اهل سنت است، در الکافی و من لایحضره الفقیه آمده است. برخی از این گفتارها ذیل روایات معصومین (ع) و در توضیح آنها نقل شده^{۴۱} و برخی به طور مستقل آمده است.^{۴۲} گاهی بعضی صاحبان کتب اربعه، مانند شیخ صدوق ضمن نقل فتاوی فضل بر آن خرده گرفته و او را به عمل به قیاس متهم کرده اند.^{۴۳} گاهی نیز اختلافات فقهی فضل بن شاذان با یونس بن عبدالرحمن را نقل کرده و سپس خود به داوری نشسته اند.^{۴۴} شیخ صدوق آرا و فتاوی او را در کتاب المقنع که کتابی فتوایی بر پایه متون روایات می باشد، آورده است.^{۴۵} گاهی نیز آنها را نقد کرده است.^{۴۶} سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ. ق) و برخی فقهای دیگر نیز به نقل و بررسی فتاوی او پرداخته اند.^{۴۷}

بخش قابل توجهی از این گونه اظهار نظرهای فقهی یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان مربوط به فروع مختلف ارث است. به نظر می رسد یکی از علل این امر، تنوع فراوان و غیر قابل احصای این فروع و مبتلا بودن مردم هر عصر، از جمله عصر حضور معصومان (ع) به آنها است. طبیعی است که ائمه (ع) علاوه بر

۴۱. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۶۷، ۹۸ و ۱۴۱.

۴۲. همان، ج ۶، ص ۹۲؛ ج ۷، ص ۹۵، ۱۶۶؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۰؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۵۱.

۴۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۶، ۲۹۲ و ۲۹۵.

۴۴. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۱۵؛ شیخ طوسی، الإستبصار، ج ۴، ص ۱۸۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۶۴.

۴۵. شیخ صدوق، المقنع، ص ۴۹۱ و ۵۰۱.

۴۶. همان، ص ۴۹۷.

۴۷. سید مرتضی، انتصار، ص ۵۶۴؛ سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۲۵۸ و ۲۶۵.

بیان قواعد کلی ارث، هر چقدر هم به ذکر فروع مختلف آن می پرداختند، باز امکان پیدایی فرعی جدید وجود داشت. از این رو، بحث ارث این ضرورت و قابلیت را پیدا کرد که مهم ترین محور تمرین های اجتهادی اصحاب فقیه ائمه (ع)، حتی در عصر حضور باشد.

همچنین اختلافات مهم فقهی میان دو مذهب شیعه و اهل سنت در مسائل عول و تعصیب در ارث می تواند علت مهم دیگری برای پدید آمدن آثاری از امثال یونس و فضل باشد که علاوه بر جنبه های فقهی، اهتمام شدیدی به دفاع کلامی از مذهب داشته اند. در آثار این دو فقیه و متکلم، جنبه کلامی و اعتقادی به طور چشم گیر بر جنبه فقهی رجحان دارد و تعداد آثار فقهی آن ها در ابواب مختلف نسبت به آثار اعتقادی شان کمتر است. در عین حال، این دو دانشمند بزرگ، کتاب های متعددی در بحث ارث تألیف کرده اند؛ در حالی که هیچ یک از ابواب فقهی این چنین مورد اهتمام آنان نبوده است. یونس بن عبدالرحمن دارای حداقل دو کتاب در موضوع ارث به نام الفرائض و الفرائض الصغیر است.^{۴۸} فضل بن شاذان نیز حداقل دارای سه کتاب در این باره به نام الفرائض الکبیر، الفرائض الاوسط و الفرائض الصغیر می باشد.^{۴۹}

با توجه به عبارات بلند منقول در کتب اربعه از آرا و نظرات فقهی یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان که بخش قابل توجهی از آنها درباره فروع مختلف ارث است و نیز کتاب ها و رساله های متعدد فقهی آنها، به این نتیجه می رسیم که محور اصلی محتوای این گونه آثار، نقل روایات نبوده و این گونه آثار را باید در زمره آثار فقهی غیر روایی قرار داد.

نجاشی و شیخ طوسی آثاری را به این دو فقیه نسبت می دهند که نام آن آثار به

۴۸. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۰۶.

۴۹. همان، ص ۴۴۷.

ضمیمه عبارات نقل شده از آنها در کتب اربعه، می تواند گواهی بر این ادعا باشد که بخشی از آثار فقهی این دو دانشمند در زمره آثار غیر روایی قرار داد. نجاشی این آثار را به یونس بن عبدالرحمن نسبت داده است: کتاب اختلاف الحج، کتاب الاحتجاج فی الطلاق و کتاب علل النکاح و تحلیل المتعة.^{۵۰} شیخ طوسی نیز نام این کتاب ها را در زمره آثار فضل بن شاذان آورده است: کتاب المسح علی الخفین، کتاب النقض علی ابی عبید فی الطلاق و کتاب المتعتین متعة النساء و متعة الحج.^{۵۱} از نام این آثار و نیز شیوه کلامی - فقهی این دو دانشمند، همچنین فضل علمی و قدرت اجتهاد و استنباط آنان می توان نتیجه گرفت که محتوای این آثار نیز نه تنها نقل صرف روایات نبوده؛ بلکه محور اصلی در آنها بررسی های اجتهادی و آرای فقهی مؤلفان شان بوده است.

نقل اجتهادات اصحاب در آثار روایی

سابقه تدوین متون فقهی غیر روایی در عصر حضور ائمه (ع) را نباید تنها در کتاب ها و رساله های مستقل در این زمینه جست و جو کرد؛ بلکه در کنار نقل روایات در آثار روایی نیز می توان عباراتی منقول از اجتهادها و استنباطهای نزدیک ترین و داناترین اصحاب امامان (ع) را یافت. اینک طی بندهای ذیل به تشریح مستند برخی از شواهد در این زمینه و نیز ابعاد مختلف این موضوع می پردازیم:

الف. شرح و تفسیر روایات: شخصیت هایی همچون زرارة بن أعین (م ۱۵۰ هـ. ق) و محمد بن مسلم (م ۱۵۰ هـ. ق) که بزرگ ترین اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) بودند و یا جمیل بن درّاج (زنده در ۱۸۳ هـ. ق) که از داناترین و نزدیک ترین یاران امام صادق و امام کاظم (ع) بود، شاید از اولین کسانی باشند که

۵۰. همان.

۵۱. شیخ طوسی، فهرست، ص ۱۹۷.

به درنگ و تأمل فقیهانه در کلمات امامان(ع) پرداختند و توضیحات آنان ذیل روایات، طبقه به طبقه توسط راویان نقل شده است.

زراره بعد از نقل روایت از امام(ع) که فرمود: من در سه چیز؛ نوشیدن شراب، مسح خفین و متعه حج از احدی تقیه نمی کنم، این گونه توضیح می دهد که آن حضرت فرمود بر شما هم واجب است که چنین کنید. ۵۲ به عبارت دیگر، فهم فقهی زراره از این روایت این است که نمی توان بر پایه این روایت، حکم به حرمت تقیه در سه مورد مذکور کرد. نکته مهم در بحث ما این نیست که زراره چنین فهمی از روایت داشته است. تردیدی نیست که اصحاب ائمه(ع) در کتاب و سنت ماثور می اندیشیدند و با یکدیگر در این زمینه بحث و گفت و گو می کردند و بعضاً دیدگاه های متفاوتی نیز برای آن ها پدید می آمد؛ آنچه برای ما مهم می باشد این است که اظهار نظر زراره در ذیل این حدیث، طبقه به طبقه توسط راویان نقل شده و در نهایت شیخ کلینی آن را در الکافی ذکر کرده است. این اولین گام برای تدوین آثار فقهی است که فراتر از نقل صرف روایت می باشد.

نمونه های دیگری نیز از زراره در کتب اربعه می توان یافت. او می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: آیا مردی که دارای ۱۹۹ درهم و نوزده دینار می باشد، باید زکات بدهد؟ حضرت فرمود: خیر، زکاتی بر او نیست تا دینار و درهم او به نصاب برسد. زراره پس از نقل این روایت می گوید: همه موارد وجوب زکات به همین گونه است. ۵۳

از زراره توضیحات دیگری ذیل روایات مربوط به طلاق خلع، ۵۴ ارث زن، ۵۵

۵۲. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۲.

۵۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۹۲.

۵۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۰.

۵۵. همان، ج ۹، ص ۳۰۱.

حتی روایات مربوط به مسائل اعتقادی مانند قضا و قدر نقل شده است.^{۵۶} این گونه توضیحات و استنباطهای فقیهانه در ذیل روایات معصومان(ع)، از دیگر بزرگان صحابه عصر صادقین(ع)، مانند ابو بصیر (م ۱۵۰ هـ.ق) نیز نقل شده است.^{۵۷} همچنین جمیل بن دراج ذیل روایتی که از زراره، از امام باقر(ع) درباره طلاق باین زن مستترابه نقل کرده، به شرح و تفسیر روایت پرداخته است.^{۵۸}

محمد بن زیاد بن عیسی، معروف به ابن ابی عمیر از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد(ع) است. او از بزرگ ترین دانشمندان شیعه در عصر خود بوده و بدون واسطه از امام رضا(ع) روایت کرده است. اما بیشتر روایات او نقل احادیث امام باقر و امام صادق(ع) با واسطه است. ابن ابی عمیر بعد از نقل روایتی درباره مقدار دیه نفس از جمیل بن دراج و او از زراره (م حدود ۱۵۰ هـ.ق) و محمد بن مسلم و دیگران و آنان از امام باقر یا امام صادق(ع)، سؤالی در همین رابطه از جمیل بن دراج می پرسد و پس از نقل پرسش خود و پاسخ جمیل، پرسش شخص دیگری از جمیل و پاسخ او را نقل می کند.^{۵۹} این پرسش و پاسخ ها گویای این است که راویان و شیعیان هنگامی که در روایتی ابهام یا اجمال می دیدند سؤالات خود را از بزرگان اصحاب می پرسیدند و این پرسش و پاسخ گاهی آن قدر اهمیت می یافت که شخصیت بزرگی همچون ابن ابی عمیر در کنار روایت امام معصوم(ع) به نقل آن پرداخته است. در مورد دیگری ابن ابی عمیر در آغاز به نقل فتوای جمیل بن دراج می پردازد، سپس از او در همان باره سؤالی می پرسد و جمیل پاسخ او را با روایتی از امام صادق(ع) می دهد.^{۶۰} در کتب اربعه برخی از توضیحات ابن

۵۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۵۷. شیخ طوسی، استبصار، ج ۳، ص ۱۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۸۸.

۵۸. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱۴.

۵۹. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۸۰.

۶۰. همان، ج ۵، ص ۵۱۲.

ابی عمیر نیز ذیل روایات نقل شده است.^{۶۱} همچنین بعضی از فتاوی او در برخی منابع فقهی آمده است.^{۶۲}

ب. روایات مضممر و موقوف: مضممر روایتی است که به نام شخص معصوم(ع) یا آخرین کسی که روایت از او نقل شده تصریح نشود و از او با ضمیر غایب یاد شود^{۶۳} و موقوف روایتی است که سند آن در نهایت به امام معصوم(ع) نرسد و به یکی از صحابه ختم شود.^{۶۴} در کتب اربعه، روایات مضممر فراوانی از زراره، محمد بن مسلم، سماعه و برخی دیگر از اصحاب ائمه(ع) نقل شده است. ولی روایات مضممر از موضوع بحث ما خارج است؛ زیرا ذکر ضمیر غایب در پایان سند از سوی راوی، گویای این است که آنچه نقل می کند سخنان خودش نیست. از سوی دیگر، درباره شخصیت هایی همچون زراره و محمد بن مسلم بسیار بعید است که آنان با ضمیر غایب از غیر امام(ع) سخنی نقل کرده باشند و این سخن توسط راویان معتبر طبقه به طبقه تا زمان اصحاب کتب اربعه نقل شده باشد. از این رو، فقیهان تصریح کرده اند که مضممرات افرادی مانند زراره و محمد بن مسلم در حکم مسندات آنان است و اضمار در این گونه روایات خللی به اعتبار سند آن وارد نمی کند.^{۶۵} وجه اینکه زراره و مانند او در این گونه روایات از امام(ع) به ضمیر غایب یاد کرده اند می تواند تقیه و یا تقطیع روایت باشد؛ یعنی راوی در آغاز

۶۱. همان، ج ۳، ص ۵۳۰؛ ج ۵، ص ۱۶۸؛ ج ۶، ص ۴۱۹؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۵۸؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۲۳.

۶۲. نراقی، مستند الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۶۲ و ۱۶۴.

۶۳. مامقانی، مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۳۳۳؛ غفاری، دراسات فی علم الدرایة، ص ۵۹.

۶۴. مامقانی، مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ صدر، نهایة الدرایة، ص ۱۸۴؛ غفاری، دراسات فی علم الدرایة، ص ۵۷.

۶۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۱۸۲؛ شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۳، ص ۵۵؛ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۳۸۹؛ خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳، ص ۲۲۹، ۳۶۰؛ ج ۶، ص ۳۶۷.

کتاب و اصل خود نام امام(ع) را آورده است و در ادامه با ضمیر به او اشاره می کند؛ ولی بعد از تقطیع روایات در کتب اربعه، مرجع ضمیر برای مراجعه کننده به این کتب نامعلوم می شود.^{۶۶}

در منابع روایی، روایات موقوف متعددی از برخی اصحاب ائمه(ع) نقل شده است. از زراره نیز روایات موقوفی در کتب اربعه آمده است.^{۶۷} ظاهر این گونه روایات این است که گفتار منقول در آنها سخنان آخرین شخص در سلسله سند است، نه سخنان امام معصوم(ع). در این صورت، روایت چون سخن امام(ع) نیست معتبر نمی باشد.^{۶۸} اما اگر شواهد روشن، گویای این باشد که آنچه نقل شده سخن امام(ع) است، در فرض صحت سند، روایت حجت خواهد بود.

شهید اول و برخی دیگر بعد از نقل روایت موقوف زراره درباره تفاوت نشست و برخاست زن با مرد در نماز، می گویند: «هرچند این روایت موقوف بر زراره است ولی اصحاب به آن عمل کرده اند و همین، ضعف سند آن را جبران می کند».^{۶۹} اما صاحب مدارك (م ۱۰۰۹ هـ.ق) در استناد یکی از روایات موقوف زراره به امام(ع) تردید می کند.^{۷۰} البته صاحب حدائق (م ۱۱۸۶ هـ.ق) بر پایه مشی اخباری خود از تردید صاحب مدارك (م ۱۰۰۹ هـ.ق) اظهار تعجب کرده

۶۶. ابن شهید، منتقى الجمان، ج ۲، ص ۶۸؛ غفاری، دراسات فی علم الدراية، ص ۵۹.

۶۷. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲، ۴۸، ۱۲۶، ۱۹۶، ۳۱۰ و ۳۳۵؛ ج ۷، ص ۸۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۰ و ۴۲۷؛ ج ۲، ص ۶۵ و ۱۶۶؛ ج ۹، ص ۱۸۱ و ۲۴۷؛ شیخ طوسی، الإستبصار، ج ۱، ص ۲۹۴، ۴۲۷ و ۴۸۳.

۶۸. میرداماد، رواشع السماویة، ص ۱۸۰؛ صدر، نهاية الدراية، ص ۱۸۴؛ غفاری، دراسات فی علم الدراية، ص ۵۷.

۶۹. شهید اول، ذکرى الشیعة، ج ۳، ص ۴۴۰ - ۴۴۱؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۶۳؛ ابن شهید، منتقى الجمان، ج ۲، ص ۶۸؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۹ - ۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۷.

۷۰. عاملی، مدارك الاحکام، ج ۳، ص ۴۴۷.

است. ۷۱ آیت الله خویی (م ۱۴۱۳ هـ. ق) نیز درباره روایت موقوف دیگری از زراره این احتمال را مطرح می‌کند که شاید سخن نقل شده از زراره، متعلق به خود او باشد و از امام (ع) نقل نشده باشد. او سپس به این نکته مهم اشاره می‌کند که بیشتر روایات موقوف زراره از طریق حریز نقل شده است و شخصیت زراره آن قدر برتر از حریز است که این احتمال وجود دارد که حریز فتاوی زراره را نقل کرده باشد. ۷۲

صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ هـ. ق)، قرینه‌ای برای استناد روایات موقوف و مضمربه امام (ع) از شیخ کلینی نقل می‌کند. به ادعای او، کلینی در آغاز کتابش آورده است: «همه آنچه در این کتاب آورده‌ام مروی از صادقین (ع) است» و همین گویای این است که روایات موقوف نیز در نهایت به امام (ع) متصل می‌شود. ۷۳ اما صاحب جواهر، کلام کلینی را با دقت نقل نکرده است. کلینی در مقدمه کتابش آن را این گونه توصیف می‌کند: «هر کس به دنبال دانش دین و عمل به آن بر اساس روایات صحیح از صادقین (ع) است از این کتاب بهره می‌برد». ۷۴ روشن است که عمومیت و حصر مورد ادعای صاحب جواهر، در این عبارت دیده نمی‌شود. به علاوه، پیش از این روشن شد که شیخ کلینی و نیز شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، عبارات و سخنان بعضاً طولانی از بزرگانی از اصحاب، مانند یونس بن عبد الرحمن و فضل بن شاذان نقل کرده‌اند که بی تردید روایت از معصومان (ع) نیست.

بعضی گفته‌اند وجود روایت موقوف مسند در کتب حدیث، دلیل بر این است

۷۱. بحرانی، حدائق الناضرة، ج ۸، ص ۳۷۷.

۷۲. خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۴، ص ۵۸.

۷۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

۷۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۸.

که روایت از معصوم (ع) نقل شده است؛ زیرا اگر این روایات از غیر معصوم بود، نقل این گونه آنها سبب فریب و تدلیس می شد. ^{۷۵} این سخن مبتنی بر پیش فرض هایی اثبات نشده است؛ زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که نقل کلام اصحاب با سند متصل جایز نیست تا نتیجه گیری شود که وجود سند دلیل بر این است که روایت به امام (ع) متصل است؛ بلکه ظاهر متن و سند در روایت موقوف این است که گوینده سخن، غیر معصوم است و برای دست برداشتن از چنین ظاهری باید دلیل روشنی اقامه کرد. در این صورت، لازمه ادعای نسبت دادن روایات موقوف به امام (ع)، نسبت دادن نوعی سهل انگاری و کوتاهی به صاحبان منابع حدیثی است که روایات معصومان (ع) را به آنان نسبت نداده و به غیر معصوم منتسب کرده اند. همچنین باید توجه داشت که آرای فقهی شخصیت هایی مانند فضل بن شاذان در کتب اربعه با ذکر سند متصل به آنان نقل شده است. پس این پیش فرض که وجود سند متصل در این کتاب ها دلیل بر این است که روایت قطعاً از معصوم (ع) است پذیرفتی نیست.

در عین حال، نمی توان احتمال صدور حداقل برخی از روایات موقوف را از معصوم (ع) نادیده گرفت؛ زیرا این احتمال وجود دارد که این دسته از روایات مضمراً باشند؛ یعنی مرجع ضمیر در فعل «قال»، آخرین راوی نباشد و ضمیر به کسی دیگر مانند امام (ع) بازگردد و علت عدم تصریح به نام امام - چنان که گذشت - تقیه یا تقطیع باشد.

در برخی روایات موقوف قرآینی وجود دارد که گویای صدور این روایات از معصوم (ع) است؛ مثلاً در ذیل روایت موقوفی از زراره، کلمه «قال» دوبار پی در پی تکرار شده است. این گویای این است که زراره روایت را از کسی دیگر

۷۵. صدر، نهاية الدراية، ص ۱۸۵.

نقل می‌کند. به عبارت دیگر، این روایت موقوف نیست؛ بلکه مضمراً است.^{۷۶} از سوی دیگر، روایات موقوفی در کتب اربعه وجود دارد که با توجه به وجود قرآینی در متن و سند آن‌ها، نمی‌توان این روایات را به امام معصوم (ع) نسبت داد. وجود این گونه روایات به تنهایی بیانگر این است که پیشینه نگارش متن فقهی از سوی شخصیتی غیر معصوم و نقل آن، حداقل به عصر حضرات صادقین (ع)؛ یعنی اوایل قرن دوم می‌رسد.

از این دسته روایات، روایتی است از زراره درباره عول. سخن زراره در این روایت در بخشی از الکافی به صورت روایت موقوف و در بخشی دیگر، به صورت توضیح زراره ذیل روایت امام (ع) نقل شده است. نقل دوم کلینی دلیلی روشن بر این است که نقل اول منتسب به امام (ع) نیست و سخن شخص زراره می‌باشد.

کلینی روایتی دیگر را با سند متصل و صحیح از زراره نقل کرده است.^{۷۷} فاعل کلمه «قال» در این روایت اسم ظاهر؛ یعنی کلمه «زراره» است؛ نه ضمیر مستتر. پس احتمال مضمراً بودن روایت منتفی است. متن طولانی روایت مربوط به فروع مورد اختلاف شیعه و اهل سنت و دفاع از شیعه و الزام مخالفین می‌باشد. کیفیت ساختاری متن نیز سازگاری چندانی با روایات معصومان (ع) ندارد. در عین حال، مهم‌ترین دلیل بر عدم صدور این روایت از امام (ع)، سخن عمر بن اذینه در پایان روایت است. او که راوی این گفتار طولانی از زراره است، در پایان از زراره می‌پرسد: آیا این سخنان نظر شخصی خودت است؟ او در پاسخ با تعجب می‌گوید: «آیا من اینها را از خودم می‌گویم؟! در این صورت گنه‌کار و فاجر خواهم بود. شهادت می‌دهم که آنچه گفتم حقیقتی از جانب خدا و پیامبرش (ص)

۷۶. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۱.

۷۷. همان، ج ۷، ص ۱۰۰.

است». این پرسش و پاسخ گویای این است که عمر بن اذینه می دانسته که این سخنان به طور مستقیم از امام (ع) نیست و سخنان شخص زراره است. به همین جهت این پرسش را مطرح کرده است. علت چنین پرسشی از سوی او این است که اصحاب بزرگ ائمه (ع) در آن دوران از گرفتار شدن در وادی اجتهاد به رأی که در آن عصر در میان گروهی از فقیهان اهل سنت رایج بوده است، می ترسیدند و خوف این را داشتند که با استنباطهای فقهی خویش و نقل آنها، در این ورطه خطرناک فروافتند. در عین حال، پاسخ زرارة گویای این دیدگاه از جانب اوست که تأمل در کتاب و سنت و استنباط فقهی از آنها و کشف احکام و فروع جدید و یا کشف قواعد از فروع منصوص، اجتهاد به رأی و امری ناصواب نیست.

آنچه مهم تر از نقل کلینی می باشد این است که این عبارت طولانی و غیر منسوب به امام (ع) توسط راویان بزرگی همچون علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر در آثار خود با سند متصل نقل شده است. بنابراین، به طور قطع می توان گفت حداقل برخی روایات موقوف در کتب اربعه از امام (ع) صادر نشده و سخنان اصحاب ایشان است.

ج. حل اختلاف اخبار: ابن ابی عمیر که روایت گر احادیث فراوانی است، گاهی متذکر اختلاف روایات می شود و به جمع آنها می پردازد. برخی از این گونه اظهار نظرهای او گویای فقاهت پربار او است. او در روایتی از حلبی نقل می کند که از امام صادق (ع) می پرسد: مردی همسرش را طلاق داده است، در حالی که همه بدن او را لمس کرده ولی با او آمیزش نداشته است. آیا آن زن می باید بعد از طلاق عده نگه دارد؟ امام صادق (ع) فرمود: از امام باقر (ع) نیز همین مطلب پرسیده شد و پدرش امام علی بن حسین (ع) فرمود: هنگامی که در بسته شود و پرده بیفتد، مهر و عده واجب می شود. ابن ابی عمیر بعد از نقل این روایت می گوید: «روایات در این مورد مختلف است. در برخی همه مهر و در برخی دیگر نصف مهر واجب

شده است. جمع روایات به این است که حاکم بر اساس ظاهر حکم می‌کند. پس چون در بسته شد و پرده فروافتاد مهر واجب می‌شود؛ اما اگر زن می‌داند که مرد با او آمیزش نکرده است حکم واقعی میان او و خداوند این است که بیش از نصف مهر را نگیرد».^{۷۸}

همچنین ابن ابی عمیر در روایتی از جمیل بن دراج از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت در مورد شارب الخمر فرمود: هر گاه خمر بنوشد به او حد زده می‌شود و اگر بار دیگر بنوشد حد دیگری به او زده می‌شود و اگر برای بار سوم بنوشد کشته می‌شود. جمیل می‌گوید: برخی از اصحاب روایت کرده‌اند که او در نوبت چهارم کشته می‌شود. ابن ابی عمیر برای حل تعارض اخبار می‌گوید: «معنای روایات این است که او در بار سوم کشته می‌شود ولی اگر او را در بار سوم نزد حاکم نیاورند و نوبت چهارم نزد حاکم آورده شود در نوبت چهارم کشته می‌شود».^{۷۹}

د. کشف قواعد فقهی: زرارة ذیل روایتی در باب ارث که در آن به فرع خاصی پرداخته شده و در آن قاعده‌ای کلی ارائه نشده است، به تبیین قاعده‌ای برای نفی موارد عول که موضوع روایت است می‌پردازد. او در ذیل روایت می‌گوید: «هرگاه خواستی عول را از میان برداری، نقصان در مال میت را بر کسانی قرار ده که زیاده برای آنها است؛ مانند فرزندان و برادران پدری. اما شوهر و برادران مادری به هیچ وجه کمتر از فرضی که خداوند برای آنها قرار داده است نمی‌گیرند».^{۸۰} نکته قابل توجه این است که کلینی این بخش از سخن زرارة را به طور مستقل و بدون نقل روایت امام (ع) در قسمتی دیگر از الکافی آورده است.^{۸۱} چنین نقلی از کلینی

۷۸. همان، ج ۶، ص ۱۱۰.

۷۹. همان، ج ۷، ص ۲۱۸.

۸۰. همان، ج ۷، ص ۹۶؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۵.

۸۱. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۸۲.

گویای نوعی اعتنا و توجه به اجتهادات غیر معصومان و گرایشی از جانب او به تدوین متنی فقهی نه تنها بر پایه نقل روایت از معصومان(ع)؛ بلکه بر اساس استنباط فقهی فقها است.

با توجه به آنچه طی بندهای پیشین گذشت، می توان به این نتیجه رسید که هر چند صبغه غالب در آثار فقهی اصحاب ائمه(ع) پیش از عصر غیبت امام زمان(ع)، نقل روایات معصومان(ع) می باشد؛ اما در کنار آن به روشنی می توان آثاری از تلاش ها و استنباطهای فقهی فقیهان در جهت شرح و تفسیر روایات، حل اختلاف اخبار، کشف قواعد فقهی، ابداع فروع جدید و دفاع از آرای فقهی شیعه در مقابل مخالفین را یافت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ادریس ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد بن ادریس الحلّی (م ۵۹۸ هـ.ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الثانية ۱۴۱۰ هـ.ق.

۳. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ هـ.ق)، معالم العلماء، المكتبة والمطبعة الحيدرية في النجف الأشرف، المطبعة الحيدرية، النجف الاشرف، ۱۳۸۰ هـ.ق.

۴. ابن شهيد، جمال الدين أبي منصور الحسن بن زين الدين (م ۱۱۱۰ هـ.ق)، منتقى الجمال في الاحاديث الصحاح و الحسان، تحقيق على اكبر غفاري، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۵. ابوالفضل شكوري، نامه مفيد، مجله علمی پژوهشی، مدير مسئول مسعود موسوی کریمی، دانشگاه مفید، قم.

٦. آخوند خراسانى، محمدكاظم، كفاية الاصول، مؤسسة آل البيت(ع) لاعحياء التراث، الطبعة الثانية، ١٤١٧هـ.ق.
٧. اردبيلى، الشيخ احمد، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى، ١٤٠٣-١٤١٦هـ.ق.
٨. افندى، الميرزا عبدالله الاصبهانى (م ١١٣٠ هـ.ق)، رياض العلماء و حياض الفضلاء، مطبعة الخيام و مكتبة آية ... المرعى النجفى، قم، ١٤٠١ و ١٤١٥هـ.ق.
٩. امين، السيد محسن (م ١٣٧١ هـ.ق)، أعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣هـ.ق.
١٠. بحر العلوم، السيد محمد مهدي الطباطبائى (م ١٢١٢ هـ.ق)، الفوائد الرجالية، تحقيق محمد صادق بحر العلوم و حسين بحر العلوم، منشورات مكتبة الصادق(ع)، تهران، الطبعة الاولى، ١٣٦٣ (هـ.ش).
١١. بحرانى، الشيخ يوسف بن احمد (م ١١٨٦ هـ.ق)، الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى، ١٤٠٥-١٤٠٩هـ.ق.
١٢. بخارى، محمد بن اسماعيل (م ٢٥٦ هـ.ق)، صحيح البخارى، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١هـ.ق.
١٣. بهبهانى، محمدباقر الوحيد (م ١٢٠٥ هـ.ق)، الفوائد الرجالية، بى جا، بى تا.
١٤. تسترى، محمدتقى (م ١٤١٦ هـ.ق)، النجعة فى شرح اللمعة، مكتبة الصدوق، تهران، الطبعة الاولى، ١٤٠٦هـ.ق.
١٥. حر عاملى، الشيخ محمد بن الحسن (م ١١٠٤ هـ.ق)، تفصيل وسائل الشيعة

الى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ١٤١٤هـ. ق.

١٦. خويى، السيد أبو القاسم الموسوى (م ١٤١٣ هـ. ق)، خويى، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، مطبعة مركز نشر الثقافة الاسلامية، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ. ق.

١٧. خويى، السيد أبو القاسم الموسوى (م ١٤١٣ هـ. ق)، موسوعة الإمام الخوئى، مؤسسة احياء آثار الإمام الخوئى، الطبعة الاولى، ١٤١٨هـ. ق.

١٨. دراسات فى علم الدراية ر تلخيص مقباس الهداية.

١٩. سيد مرتضى، السيد على بن الحسين الموسوى البغدادي، علم الهدى (م ٤٣٦ هـ. ق)، الانتصار فى انفرادات الامامية، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة الاولى، ١٤١٥هـ. ق.

٢٠. سيد مرتضى، السيد على بن الحسين الموسوى البغدادي علم الهدى (م ٤٣٦ هـ. ق)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، دار القرآن الكريم، الطبعة الاولى، ١٤٠٥ - ١٤١٠هـ. ق.

٢١. شهيد اول، محمد بن جمال الدين مكى العاملى (٧٨٦ هـ. ق)، ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الاولى، ١٤١٩هـ. ق.

٢٢. شهيد اول، محمد بن جمال الدين مكى العاملى (٧٨٦ هـ. ق)، الدروس الشرعية فى فقه الإمامية، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة الثانية، ١٤١٢ - ١٤١٤هـ. ق.

٢٣. شهيد ثانى، زين الدين بن على الجبجى العاملى (م ٩٦٦ هـ. ق)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، الطبعة الاولى، ١٤١٣ - ١٤١٧هـ. ق.

٢٤. شبر انصارى، مرتضى (م ١٢٨١ هـ.ق)، فرائد الاصول، مجمع الفكر الاسلامى، قم، الطبعة الاولى، ١٤١٩ هـ.ق.
٢٥. شبر صدوق، أبوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى (٣٨١ هـ.ق)، المقنع، مؤسسة الإمام الهادى (ع)، قم، الطبعة ١٤١٥ هـ.ق.
٢٦. شبر صدوق، أبوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى (م ٣٨١ هـ.ق)، من لا يحضره الفقيه، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ.ق.
٢٧. شبر طوسى، أبوجعفر محمد بن الحسن (م ٤٦٠ هـ.ق)، الإستبصار فيما اختلف من الاخبار، دارالكتب الاسلاميَّة، تهران، الطبعة الاولى، ١٣٩٠ هـ.ق.
٢٨. شبر طوسى، أبوجعفر محمد بن الحسن (م ٤٦٠ هـ.ق)، تهذيب الأحكام، دارالكتب الاسلاميَّة، تهران، الطبعة الرابعة، ١٤٠٧ هـ.ق.
٢٩. شبر طوسى، أبوجعفر محمد بن الحسن (م ٤٦٠ هـ.ق)، النهاية فى مجرد الفقه والفتاوى، دارالكتاب العربى، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٠ هـ.ق.
٣٠. شبر مفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبوعبدالله العكبى (م ٤١٣ هـ.ق)، المقنعة، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة الثانية، ١٤١٠ هـ.ق.
٣١. صدر، سيد حسن (م ١٣٥٤ هـ.ق)، تأسيس الشيعة، منشورات الاعلمى، تهران، بى تا.
٣٢. طبرسى، الشبر أبى على الفضل بن الحسن (م حدود ٥٨٠ هـ.ق)، إعلام الورى بأعلام الهدى، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، الطبعة الاولى، ١٤١٧ هـ.ق.
٣٣. طهرانى، الشبر آقا بزرك (م ١٣٨٩ هـ.ق)، الذريعة الى تصانيف الشيعة،

دار الأضواء، بيروت و چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، الطبعة الاولى و الثالثة، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳۴. عاملی، السيد محمد بن علی الموسوی (م ۱۰۰۹ هـ. ق)، مدارك الأحكام فی شرح شرائع الإسلام، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۳۵. عسقلانی، شهاب الدين بن حجر (م ۸۵۲ هـ. ق)، فتح الباری، دار المعرفة للطباعة و النشر بیروت، دوم، بی تا.

۳۶. علامه حلی، أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (م ۷۲۶ هـ. ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲-۱۴۱۹ هـ. ق.

۳۷. علی اکبر کلانتری، فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، فصلنامه، صاحب امتیاز دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مدیر مسئول عبدالرضا ایزدپناه.

۳۸. غفاری، علی اکبر، تلخیص مقباس الهدایة، علی اکبر الغفاری، جامعة الإمام الصادق (ع)، چاپ اول ۱۳۶۹ هـ. ش.

۳۹. قهپایی، عنایت الله (م ۱۰۱۹ هـ. ق)، مجمع الرجال، موسسه اسماعیلیان، قم، بی تا.

۴۰. کاشف الغطاء، اسعد (زنده در ۱۴۱۷ هـ. ق)، الاصول الاربعمآه، نجف الاشرف، بی جا، (۱۴۱۷ هـ. ق).

۴۱. کامران ایزدی مبارکه، مطالعات قرآن و حدیث، دو فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، مدیر مسئول حسین علی سعدی، تهران.

۴۲. کلینی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ هـ. ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامية، الطبعة الثالثة، ۱۳۴۸-۱۳۶۵ هـ. ش.

٤٣. كنى، الملا على (م ١٣٠٦ هـ.ق)، توضيح المقال فى علم الرجال، تحقيق محمدحسين مولوى، دارالحديث الثقافىة، قم، الطبعة الاولى، ١٤٢١هـ.ق.
٤٤. صدر، السيد حسن (م ١٣٥٤ هـ.ق)، نهاىة الدراىة شرح الوجىزة للشىخ البهاىى، تحقيق ماجد الغرباوى، نشر المشعر، بى تا.
٤٥. مامقانى، الشىخ عبدالله، مقباس الهداىة فى علم الدراىة، مؤسسه آل البيت(ع) لآحىاء التراث، قم المشرفة، الطبعة الاولى المحققة، ١٤١١هـ.ق.
٤٦. مجلسى اول، محمدتقى (م ١٠٧٠ هـ.ق)، روضة المتقىن فى شرح من لاىحضره الفقىه، بنىاد فرهنگ اسلامى حاج محمدحسين كوشانىور، قم، چاپ دوم، ١٤٠٦هـ.ق.
٤٧. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ هـ.ق)، مرآة العقول فى شرح آخبار آل الرسول، تحقيق سىدهاشم رسولى، دارالكتب الإسلامىة، تهران، الطبعة الثانية، ١٤٠٤-١٤١١هـ.ق.
٤٨. مجلسى اول، لوامع صابقرانى المشتهر بشرح الفقىه، محمدتقى بن مقصود، المجلسى الاول (م ١٠٧٠ هـ.ق)، مؤسسه اسماعىلىان، قم المقدسه، الطبعة الثانية ١٤١٤هـ.ق.
٤٩. مجلسى، بحار الانوار الجامعة لدرر آخبار الائمة الاطهار، الشىخ محمدباقر المجلسى (م ١١١٠ هـ.ق)، مؤسسه الوفاء، بىروت، الطبعة الثانية و الثالثة، ١٤٠٣هـ.ق.
٥٠. محقق ثانى، الشىخ على بن الحسين الكركى، جامع المقاصد فى شرح القواعد، مؤسسه آل البيت(ع) لآحىاء التراث، قم، الطبعة الاولى، ١٤٠٨-١٤١١هـ.ق.

٥١. محقق حلى، نجم الدين أبو القاسم جعفر بن محمد (٦٧٦ هـ.ق)، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، تحقيق: عبدالحسين محمدعلى البقال، مؤسسة مطبوعاتى اسماعيليان، قم، الطبعة الثانية، ١٤٠٨ هـ.ق.
٥٢. محقق حلى، المحقق أبو القاسم نجم الدين جعفر بن الحسن (٦٧٦ هـ.ق)، المعتبر فى شرح المختصر، مؤسسة سيد الشهداء (ع)، الطبعة ١٣٦٤ هـ.ش.
٥٣. منصور پهلوان، سفينه، فصلنامه، تخصصى مطالعات قرآن و حديث، مدير مسئول محمد حسين شهرى، موسسه فرهنگى نبأ مبين، تهران.
٥٤. مير داماد، مير محمدباقر الحسينى الاسترآبادى (م ١٠٤١ هـ.ق)، الرواشح السماوية فى شرح الأحاديث الإمامية، تحقيق غلامحسين قيصره ها و نعمة الله جليلى، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، ١٤٢٢ هـ.ق.
٥٥. نادعلى عاشورى، صحيفه مبين، دو فصلنامه، مدير مسئول سيد طه هاشمى، معاونت فرهنگى دانشگاه آزاد اسلامى، تهران.
٥٦. نجاشى، ابوالعباس احمد بن على بن احمد بن العباس الاسدى الكوفى (م ٤٥٠ هـ.ق)، رجال النجاشى، مؤسسه النشر الاسلامى لجماعه المدرسين بقم المشرفه، الطبعة الخامسة، ١٤١٦ هـ.ق.
٥٧. نجفى، الشيخ محمدحسن (م ١٢٦٦ هـ.ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربى، تحقيق عباس قوچانى و على آخوندى، بيروت، الطبعة السابعة، ١٤٠٤ هـ.ق.
٥٨. نراقى، احمد بن محمد مهدى (م ١٢٤٥ هـ.ق)، مستند الشيعة الى احكام الشريعة، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الاولى، ١٤١٥ - ١٤١٩ هـ.ق.

الموجز

تعريب: مصطفى الغفوري

من شروط عقد البيع القصد، الإرادة، الملك

السيد كاظم الحائري

تبحث هذه المقالة الشروط الثلاثة: القصد والإرادة والملكية (بالمعنى الشامل لما يقوم مقام الملكية كالولاية)، وتدرس أصل اعتبار الشروط الثلاثة هل هو الدليل العام أو الخاص عليها، وبيان معناها؛ وتناقش أيضاً هل إنّ هذه الثلاثة هي شروط في البيع أم إنّها تُحسب من مقومات البيع؟ كما تناول هذا المقال أيضاً الأبحاث الأخرى المتعلقة بهذه الشروط الثلاثة.

الكلمات المفتاحية: الإرادة، شروط البيع، عقد البيع، القصد، الملك.

فهرس

٢٧٢

السنة ٢٢، العدد ٨٨

عدم تنجس ماء القليل بمجرد ملاقاته للنجاسة

مهدي برزكر

محمد امين امامي بناه

٢٧٣

لفقهاء الشيعة رأيان حول الماء القليل الملاقى للنجس والذي لم يتغير. فمشهور الفقهاء يرون تنجس و تنجيس مثل هذه المياه، وبعضهم - ومعظمهم من المتأخرين - قائلون بعدم تنجسه. وكتاب هذه المقالة من خلال الدراسة المفصلة ومناقشة أدلة كل من القولين، حاولوا فتح طريق جديد وبأسلوب فطري وعقلاني في المسألة، وفي النهاية يثبتون أنّ هذه المياه ليست متنجّسة ولا منجّسة، بل ما يُستفاد من الأدلة التي وصلت بأيدينا الكراهة الشديدة لاستخدام هذه المياه.

الكلمات المفتاحية: الماء القليل، الماء الكر، التنجس، ملاقة النجاسة.

أسس عدم نفوذ المعاملة بقصد الفرار من الدين في فقه الإمامية والقانون الإيراني

محمد المحلي

مسعود زنگنه

أعلن في المادة ٢١٨ من القانون المدني السابق عدم نفوذ المعاملة بقصد الفرار من الدين من أجل حماية الرائدين . ومع ذلك ففي سنوات ما بعد الثورة ومن أجل تحقيق الحدّ الأكثر من الانطباق بين القانون المدني مع فقه الإمامية تم إصلاح مفاد المادة المذكورة وأعلن أنّ هذه المعاملات باطلة إن كانت صورية ، من دون بيان لحكمها إن لم تكن صورية . ومع ذلك فالذي يبدو في النظر أنّه من الممكن تبرير فكرة عدم نفوذ المعاملة بقصد الفرار من الدين بالاستناد إلى بعض الأسس الفقهية .

الكلمات المفتاحية : حق الوثيقة الكلى في المعين ، الغرض غير المشروع ، لا ضرر ، المعاملة للفرار من الدين .

فقه
الدين

٢٧٤

السنة ٢٢ ، العدد ٨٨

تحليل أجزاء العلة التامة في الظواهر الفقهية والقانونية

احمد احساني فر

إنّ الظواهر القانونية بما في ذلك الأفعال والأحداث القانونية تحدث في عالم الاعتبار، وتعتبر نتائجها وآثارها أيضاً من الأمور الاعتبارية. وهذه الظواهر كالظواهر التكوينية معلولة وتشكّل سلسلة من العلل المترابطة بعضها مع البعض العلة التامة لتلك الظواهر. وتشريح العلة التامة لتلك الظواهر يرشدنا إلى ثلاثة أجزاء: السبب، الشرط، عدم المانع. ويختلف موقع ووظيفة كلٍّ من هذه المكونات الثلاثة مع المكون الآخ، كما أنّ تأثير السبب في تكوين المعلول القانوني غير ليس على حدّ سواء مع تأثير الشرط، وكذلك مدخلية الشرط في حدوث الظواهر القانونية متباينة مع مدخلية عدم المانع.

ومن هنا فإنّ معرفة أجزاء العلة التامة وعلاقات بعضها مع بعض ارتباطهم ومع المعلول القانوني وأيضاً كيفية تأثير كلٍّ منهم في تكوين الظاهرة القانونية مسألة مهمة للغاية في تحليل منهجي للإجراءات والوقائع القانونية وبحول دون الخلط بين العديد من المفاهيم والمنظومات القانونية بعضها مع البعض. الكلمات المفتاحية: الركن، السبب، الشرط، العلة التامة، المانع، المقتضى.

دراسة شخصية سهل بن زياد رجالياً وحديثاً

حسن مهدي

سهل بن زياد هو أحد رواة الحديث المعروفين؛ فإنه روى أكثر من ٢٣٠٠ رواية منقولة عنه في الكتب الأربعة. لكن علماء الرجالي اختلفوا اختلافاً كبيراً في وثاقته أو ضعفه. وقد ضعف بعضهم سهلاً، ووصفوه بالغالي والكذاب وضعيف الحديث، واستند لإثبات ذلك بعمل بعض الشيوخ كأحمد بن محمد بن عيسى الأشعري والفضل بن شاذان وابن الوليد، وكذلك آراء بعض العلماء كابن الغضائري والنجاشي والشيخ الطوسي. وقد مال آخرون استناداً إلى العديد من الأدلة والقرائن إلى توثيق سهل بن زياد وبرأوه من الاتهامات الواردة. وفي هذه المقالة - بعد تقديم لمحة عامة عن تاريخ سهل قمنا بتحليل مناشيء التضعيف والتوثيق بكلاً على حدة وبحث كل من قاط الضعف والقوة.

الكلمات المفتاحية: أحمد بن محمد بن عيسى، التوثيق، التضعيف، سهل بن زياد الأدمي، الرجال، نقل الأجلاء.

Fiqh - e - Ahl - e - Bait

Proprietor and Director:

Ayatollah Sayed Mahmood Hashemi Shahroodi

Editorial Director:

Sayed Mortaza Taghavi

Editorial Board:

Abd-Al-Reza Izad Panah, Sayed Mortaza Taghavi,

Mohammad Rahmani, Sayed Abbas Salehi,

Ahmad Moballeghi, Reza Mokhtari,

Mohammad Hasan Najafi



Address:

P.O. Box 37183 - 559

Qom - Iran

Tel: + 98 25 37739999

Fax: + 98 25 37744963

Abstracts of the Articles

Translated by Mohammad Kheirian



2

Abstracts of the Articles

Some of the Conditions of Transaction Contract; Decision, Will and Possession

SayyidKazimHa'iri

This article investigates three conditions; decision, will and possession (also its substitutes such as guardianship) to find out their meaning, validity and their generic or specific reasons. It also discusses whether these three are considered as conditions of transaction or only strengthen the transaction. Other issues related to these three conditions have also been addressed.

Keywords: will, contract, transaction, decision, possession

Qalil Water Not Becoming Impure as Soon as It Contacts Impurity

Mahdi Barzigar

Muhammad Amin Imamipannah

Shiite jurists have two views about qalil water which has contacted an impurity but has not changed. The famous view is that such a water becomes impure and also makes other things impure. However, another group of jurists, mostly later jurists, have held that this type of water does not become impure. Having investigated both views along with arguments and criticism, the authors have tried to propose a new solution to the problem through an approach based on human's nature and intellect. They have finally proved that this type of water is not impure and does not make other things impure but what can be inferred from the arguments is that it is highly undesirable to use such a water.

Keywords: qalil water, kurr water, becoming impure, to contact impurity



**Invalidity of Entering a Transaction with an Intention
to Evade Debts Based on ImamiyyaFiqh and Iranian Law**

Muhammad Mohalli

Mas'udZangane

To protect the creditors, former article no.218 of civil law had announced the invalidity of entering a transaction with an intention to evade debts. However, after the Islamic revolution, lawmakers amended this article to be more compatible with Imamiyyafiqh. They announced that these types of transactions are void if they are factitious without mentioning the ruling for cases which are not factitious. However, it seems that based on some fiqhi foundations, the invalidity of a transaction to evade debts can be justified.

Keywords: illegal aspect, the right of giving a general but specified collateral, la darar, transaction with an intention to evade debt



Analyzing the Elements of Sufficient Cause in Jurisprudential and Legal Phenomena

Ahmad Ehsanifar

Legal phenomena such as legal actions and events happen in a contractual atmosphere whose consequences are also considered contractual. These phenomena are effects similar to material phenomena and a chain of causes form the former's sufficient cause. Analyzing the sufficient cause of these phenomena leads us to three components; reason, condition, lack of barrier. The position and function of each one of these components are different. The impact of reason on the creation of a legal effect is not similar to the impact of condition and the influence of condition in the creation of a legal phenomenon is opposite to the influence of the lack of barrier.

Therefore, understanding the components of sufficient cause and their relations with each other and the legal effect as well as the type of their impact on the creation of a legal phenomenon plays an important role in systematic analysis of legal actions and events and prevents the mixture of many legal concepts and institutions.

Keywords: necessary component, cause, condition, sufficient cause, barrier, necessity



Investigating Sahl b. Ziyad's Rijali-Hadithi Personality

Hasan Mahdawi

Sahl b. Ziyad is one of the most renowned narrators of hadith from whom more than 2300 hadiths have been narrated in the Four Books. However, scholars of rijal have disputes over his reliability. Some have weakened him accusing him of exaggeration, lying and narrating weak hadiths. They refer to the treatment of Ahmad b. 'Isa al-Ash'ari, Fadl b. Shadhan, Ibn Walid and the views of scholars such as Ibn Ghada'iri, al-Najashi and al-Shaykh al-Tusi. Some other rijali scholars have referred to numerous evidences to validate Sahl b. Ziyad exonerating him of the accusations. In this article, some general issues about Sahl's life will be presented first, then motives behind weakening or strengthening him will be covered separately and their advantages and disadvantages will be studied.

Keywords: Ahmad b. Muhammad b. 'Isa, validation, weakening, Sahl b. Ziyad Adami, rijal, quotations from great scholars

Investigating Population Control from a Religious Point of View

Mahmud Pakize

Muslim Shuwbkalaii

It is necessary to study population control from different aspects. On the one hand, crises resulted from a large population and lack of material and immaterial resources have forced some scholars to maintain that the only way to survive is to adopt birth control which leads to a decrease in growth rate. On the other hand, another group of thinkers believe that population growth not only does not lead to those crises but also is the main factor of material and spiritual development of the society in various fields. They hold that minimum growth rate should not be recommended without paying attention to its negative consequences in moral, social and industrial aspects promoting economic development in hope of transient peace and welfare in life.

Islam has a moderate approach toward population control. Having provided a brief introduction to the concepts, this article tries to clarify Islam's moderate approach to population control. First, it addresses the arguments provided by proponents of population control then the most important arguments by advocates of population growth and their opponents. Finally, the moderate view has been proposed trying to reconcile these two intra-religious approaches.

Keywords: population control, abortion, coitus interruptus, population growth, population control

